

ماده ۱۹۴: توافق دو اراده (ترازی)

الفاظ و اشارات و اعمال دیگر که متعاملین به وسیله آن انشای معامله می‌نمایند باید موافق باشد به نحوی که احد طرفین همان عقدی را قبول کند که طرف دیگر قصد انشای آن را داشته است والا معامله باطل خواهد بود.

مبحث اول) ایجاب

۱. ایجاب، پیشنهادی کامل و قاطع است؛ به این معنا که از یک سو حاوی تمام ارکان اساسی قرارداد مورد نظر است، مثلاً در عقد بیع، مبیع و ثمن در آن معلوم است و از سوی دیگر قاطع است به این معنا که پیشنهاد دهنده قصد دارد تا در صورت انشاء قبولی از سوی مخاطب، عقد واقع گردد و نیازی به تأیید مجدد وی نباشد؛ در صورتی که پیشنهاد، فاقد یکی از شرایط فوق باشد ایجاب محسوب نشده بلکه «دعوت به معامله» است مانند اینکه مالک ملکی به شخصی بگوید ملک خود را زیر قیمت بازار به تو می‌فروشم که در این فرض، پیشنهاد مالک، دعوت به معامله است، نه ایجاب؛ زیرا پیشنهاد وی فاقد یکی از شرایط اساسی صحت بیع (قیمت) است.
۲. اعلان مالک در مزایده و حراج اصولاً ایجاب محسوب می‌شود، چرا که با برنده شدن شرکت کننده در مزایده یا حراج، مالک (فروشنده) باید بدان پای بند باشد مگر خلاف آن شرط شده باشد.
۳. مدت اعتبار ایجاب، در صورت تعیین مدت، محدود به زمان تعیین شده است. چنانچه بدون تعیین وقت دقیق، لفظ «بی‌درنگ و فوراً» برای قبول شرط شده باشد، تشخیص فوری بودن قبول با عرف است و در صورتی که ایجاب، مطلق بوده و محدود به زمان خاصی نشده باشد باز هم اعتبار همیشگی ندارد و محدوده اعتباری آن بسته به مهلت متعارفی است که برای ارزیابی ایجاب و قبول آن لازم است و ملاک تشخیص آن نیز عرف می‌باشد؛ در تعیین مدت اعتبار ایجاب باید وضعیت خاص موجب (نظیر اضطرار در فروش)، وسیله بیان اراده (به لحاظ سرعت انتقال اراده نظیر نامه) نوع کالا (به لحاظ سرعت نوسانات قیمت) را نیز لحاظ نمود. به عنوان نمونه: در کالاهای با نوسان بالا مانند (نرخ دلار یا طلا) مدت اعتبار ایجاب بسیار کوتاه است.
۴. ایجاب کننده، می‌تواند پیش از قبول مخاطب، از ایجاب خود رجوع کند، مگر آنکه صریحاً یا ضمناً این حق را از خود سلب کرده و یا متعهد به عدم رجوع شده باشد که در این صورت تا پایان اعتبار ایجاب، رجوع از آن ممکن نیست.

۵. در صورتی که ایجاب، همراه با التزام به حفظ آن برای مدت معین باشد، به اعتقاد برخی، مبنای التزام ایجاب‌کننده به حفظ ایجاب مدت‌دار، نظریه «پیش‌قرارداد» است؛ طبق این نظریه چون پیشنهاد مهلت، کاملاً به سود طرف مقابل است سکوت او، قبول ضمنی تلقی می‌شود و چون این قرارداد پیش از انعقاد عقد اصلی محقق می‌شود به آن «پیش‌قرارداد» می‌گویند (کاتوزیان(۱۱)، ص. ۳۱۲)؛ توافق اخیر یک عقد غیرمعوذ است مبتنی بر التزام یک طرف به حفظ ایجاب و قبول طرف دیگر که لازم‌الوفاء است (شهیدی(۲۶)، ص ۳۹۷).

۶. در صورتی که شخصی متعهد به انشاء عقدی در آینده شده باشد (مانند تعهد به فروش) و سپس در راستای اجرای تعهد خویش، آن معامله را ایجاب کند، اصولاً حق عدول از ایجاب اخیر را ندارد زیرا تحقق معامله اخیر، از حقوق مخاطب ایجاب است و چنین ایجابی در حکم ایجابی است که موجب، حق رجوع از آن را از خود سلب و ساقط کرده است (شهیدی(۲۶)، ص ۳۹۳).

۷. چنانچه پس از ایجاب، ایجاب‌کننده، قبل از قبولی فوت کند، ایجاب زایل می‌شود؛ اعم از اینکه موجب اصیل باشد یا نماینده؛ اعم از اینکه ایجاب ساده باشد یا همراه با التزام به حفظ آن.

۸. علل زوال ایجاب عبارتند از:

- پایان مدت اعتبار ایجاب؛
- فوت یا حجر موجب؛ اعم از اینکه اصیل باشد یا نماینده؛^۱
- فوت یا حجر مخاطب ایجاب؛ مگر در ایجاب عام که فوت یا حجر یکی از مخاطبین، ایجاب را به کلی از بین نمی‌برد و سایرین می‌توانند ایجاب را قبول نمایند.
- رد ایجاب (در صورتی که ایجاب خاص باشد یعنی ناظر به شخص خاصی بوده و ایجاب توسط وی رد شود)؛^۲
- رجوع از ایجاب، مگر این که ایجاب همراه با التزام (ایجاب ملزم) باشد که رجوع مؤثر نیست؛^۳
- تلف موضوع ایجاب (سالبه به انتفاء موضوع).

۱- اگر پس از ایجاب از سوی نماینده، نماینده عزل شود، صرف عزل نماینده مانع الحاق قبولی به ایجاب اخیر نیست مگر اینکه پیش از اعلان قطعی قبولی، خبر عزل نماینده به مخاطب ایجاب برسد.

۲- چنانچه ایجاب عام باشد و یکی از مخاطبان، آن را رد کند، ایجاب از بین نمی‌رود و مادام که ایجاب به سبب دیگری از بین نرفته است هر مخاطبی از جمله شخصی که قبلاً ایجاب را رد کرده، می‌تواند مجدداً آن را قبول کند (ر.ک: کاتوزیان، (۵۲)، ش ۲۹۰).

۳- اگر چه صرف «براز» ایجاب برای «تحقق» آن کافی است ولی «التزام» به مفاد ایجاب منوط به «رسیدن» نامه ایجاب به مخاطب است زیرا از این لحظه است که با حقوق مخاطب ارتباط پیدا می‌کند؛ بنابراین اگر موجب به وسیله‌ای رجوع خود از ایجاب را قبل از رسیدن نامه حاوی ایجاب یا همزمان آن به مخاطب برساند ایجاب بی اعتبار است ولو ایجاب همراه با التزام باشد. موضوع اخیر الذکر در خصوص «قبولی» صادق نیست به این معنی که با اعلان قطعی قبولی، عقد واقع شده و دیگر قبول کننده نمی‌تواند از قبولی خویش عدول کند ولو اینکه نامه قبولی هنوز به مخاطب نرسیده باشد (کاتوزیان (۱۱)، ص ۲۵۱).

مبحث دوم) قبولی

۹. قبولی در صورتی معتبر است که اولاً مطلق باشد یعنی رضایت بی قید و شرط به مفاد ایجاب باشد؛ به عبارت دیگر، تبعیض در ایجاب، مانع تحقق عقد است مانند اینکه شخصی فروش تلویزیون و میز آن را با هم بدهد و خریدار یکی را قبول کند که عقدی واقع نمی‌شود؛ با وجود این، از ملاک ماده ۸۳۲ قانون مدنی چنین استنباط می‌شود که در عقود رایگان و مجانی تبعیض در مورد معامله، تحت شرایطی (ر.ک:ش ۲ م ۸۳۲)، اشکالی نداشته و مانع تحقق عقد نسبت به بخش پذیرفته شده نیست؛ بنابراین اگر شخصی، پیشنهاد بخشش تلویزیون و میز آن را با هم بدهد و متهم فقط هبه تلویزیون را بپذیرد اصولاً هبه نسبت به تلویزیون واقع می‌شود. ثانیاً توالی عرفی بین ایجاب و قبول در آن رعایت شود (ملاک م ۱۰۶۵ ق.م.)؛ یعنی قبول در مهلت تعیین شده یا متعارف^۱ به ایجاب ملحق شود؛ ثالثاً به روش تعیین شده در ایجاب یا به روش متعارف اظهار گردد؛ رابعاً مسبوق به رد نباشد؛ یعنی مخاطب ایجاب قبلاً ایجاب را رد نکرده باشد زیرا با رد ایجاب دیگر ایجابی وجود ندارد که قبول به آن ببیوندد (ملاک ۲۵۰ ق.م.)؛ در صورتی که قبول فاقد شرایط اخیر باشد، مثلاً چنانچه قبول مشروط باشد یا بعد از زوال اعتبار ایجاب، اظهار گردد، خود، ایجاب جدیدی^۲ است که تحقق عقد، مستلزم قبول این ایجاب جدید از سوی مخاطب است.

۱- با توجه به ماهیت خاص وصیت، ممکن است بین ایجاب و قبول، فاصله طولانی وجود داشته باشد که این فاصله طولانی، مانع تشکیل عقد وصیت نیست (م ۸۳۳ ق.م.)؛ همین حکم در وکالت نیز مجری است (ر.ک:ش ۲ م ۶۵۸ و م ۶۸۱ ق.م.).

۲- تلقی قبولی به عنوان ایجاب جدید ناظر به فرضی است که قبول کننده می‌داند یا باید بداند که قبولی وی منجر به انعقاد عقد نمی‌گردد و مستلزم قبولی مخاطب است؛ به عنوان مثال اگر فروشنده تهرانی فروش کالایی را به خریدار اصفهانی ایجاب کند و سپس از آن رجوع کند ولی خریدار اصفهانی بدون اطلاع از زوال ایجاب به واسطه رجوع، ایجاب را قبول کند، عقدی واقع نمی‌شود ولی قبولی خریدار اصفهانی را هم نمی‌توان لزوماً ایجاب جدیدی محسوب نمود که با قبولی فروشنده تهرانی منجر به تشکیل عقد شود زیرا ممکن است اراده خریدار اصفهانی، صرفاً به عنوان قبول همان ایجاب انشاء شده باشد؛ تفاوت عملی موضوع در این است که اگر قبولی در اصفهان محقق شود محل انعقاد عقد و نتیجتاً تحویل مبیع در اصفهان خواهد بود در حالیکه اگر قبولی خریدار ایجاب متقابل محسوب شود با قبولی فروشنده تهرانی، محل انعقاد و تسلیم تهران خواهد بود (شهیدی(۲۶)، ص ۴۰۷).

مبحث سوم) مطابقت ایجاب و قبول

۱۰. برای تحقق تراضی، توافق بر ارکان عقد کافی بوده و در سایر موضوعات در فرض سکوت، به حکم عرف و قانون تکمیلی مراجعه می‌شود؛ چنانکه ماده ۳۳۹ قانون مدنی مقرر می‌دارد: پس از توافق بایع و مشتری در «مبیع» و «قیمت آن»، عقد بیع، به ایجاب و قبول واقع می‌شود؛ بنابراین صرف توافق در مبیع و ثمن کافی است و عدم تعیین محل یا زمان تحویل عوضین خللی به صحت توافق وارد نمی‌سازد.

۱۱. برای مطابقت ایجاب و قبول و نتیجتاً تحقق عقد، لازم است که در سه امر مطابقت وجود داشته باشد:

الف) نوع عقد؛ بنابراین اگر مالک پیشنهاد فروش دهد و مخاطب به تصور هبه قبول کند، عقدی واقع نمی‌شود (ر.ک: ش ۵ م ۴۶۳)؛ زیرا آنچه ایجاب شده قبول نشده و آنچه قبول شده ایجاب نشده است.

ب) موضوع عقد؛ بنابراین اگر شخص الف پیشنهاد فروش خانه خود را بدهد و خریدار به تصور فروش خودرو آن را قبول کند عقدی واقع نمی‌شود؛ در فرضی که فروشنده پیشنهاد فروش ده کیلو گندم به مبلغ صد هزار تومان را می‌دهد و خریدار پنج کیلو گندم به مبلغ پنجاه هزار تومان را قبول می‌کند، نیز همین حکم جاری است؛

پ) مخاطب ایجاب؛ بنابراین اگر مردی پیشنهاد ازدواج به دختر کوچک خانواده‌ای بدهد و دختر بزرگ خانواده اعلام قبولی کند، عقدی واقع نمی‌شود؛ زیرا تنها مخاطب ایجاب است که اصولاً می‌تواند با پذیرش ایجاب، آن را تبدیل به عقد نماید؛ باید دقت نمود که علت بطلان عقد در سه فرض اخیر، «عدم مطابقت ایجاب با قبول» است و فرقی نمی‌کند که دو طرف می‌دانند که باهم توافق ندارند و یا اینکه به اشتباه تصور می‌کنند که توافق محقق شده است و در صورت تردید، اصل عدم تحقق عقد جریان دارد؛^۱ به عنوان مثال اگر شخصی مقداری سیمان

۱ - اصل عدم در جایی جریان دارد که مخالف ظاهر نباشد. بنابراین اگر مالک ملکی جهت پرداخت قسمتی از بدهی خویش^۱ به طلبکار، ملک خود را به وی بفروشد و ذیل عنوان فروشنده در مبیعه نامه را امضاء کند و سپس مدعی گردد که قصد وی دادن وثیقه بوده است نه فروش مال و مدعی گردد که به دلیل عدم تطابق قصد انشاء در نوع عقد، عقد باطل است؛ چنین ادعایی محتاج دلیل است و مالک نمی‌تواند به اصل عدم تحقق عقد متوسل شود چون اظهار وی مخالف ظاهر و امارات قضایی حاکم بر موضوع است. مصلحت عملی لزوم استحکام معاملات نیز موید همین نظر است.

از دیگری قرض کند، به تصور اینکه بعداً باید قیمت آن را به مقرر بدهد، تشکیل عقد قرض، منتفی است زیرا ایجاب و قبول از حیث نوع عقد انطباقی ندارد (ر.ک: ش ۴ م ۶۴۸ همین کتاب) (ر.ک: شهیدی (۲۶)، ص ۳۹۵)؛ در حالیکه در مبحث اشتباه، اراده طرفین ظاهراً با هم منطبق است اما به دلیل تصور خلاف واقع، توافق طرفین فاقد اثر حقوقی است، به عبارت دیگر عدم مطابقت ایجاب و قبول به منزله فقدان سبب و مقتضی است در حالیکه در بحث اشتباه به معنای خاص، سبب عقد موجود است اما اشتباه جلوی تأثیر اراده را می‌گیرد؛ از این رو، با وقوع ظاهری عقد، اصل بر «صحت» عقد است و مدعی اشتباه باید وجود آن را اثبات نماید.^۱

۱۲. اگر طرفین قرارداد اظهار نمایند که منظور آن‌ها، در زمان انشای معامله، مبیع خاصی بوده است و انطباق اراده‌های خویش بر مبیع واحد را بپذیرند لیکن مبیع ادعایی هر یک از ایشان غیر از مبیع مورد ادعای طرف دیگر باشد مثلاً فروشنده ادعا کند که مورد معامله یک کیلو نقره بوده است ولی خریدار ادعا کند که مورد معامله یک کیلو طلا سفید بوده که فروشنده آن را عوض کرده است، در این صورت بیع صحیح است (خواه مبیع کلی باشد یا عین معین) و قاضی باید ابتدا بر اساس ظواهر و قراین (نظیر تناسب ثمن معامله با هر یک از مبیع‌های ادعایی) و در صورت فقدان چنین قراینی، بر اساس اصل برائت، خریدار را مدعی محسوب نماید (شهیدی، اصول قراردادها، ص ۳۸۴-۳۸۵)؛ حکم اخیر در خصوص ثمن معامله نیز جاری است؛ به عنوان مثال اگر طرفین، اصل توافق بر روی ثمن معامله را بپذیرند ولی فروشنده اظهار کند که ثمن توافق شده صد میلیون است و خریدار ثمن معامله را نود میلیون عنوان کند، در صورت فقدان قرینه، بر اساس اصل برائت و عدم زیاده، اظهار خریدار موافق اصل و فروشنده مدعی محسوب می‌شود؛ بدیهی است اگر یکی از طرفین اصل تطابق ایجاب و قبول را منکر شود، مستنداً به اصل عدم تشکیل عقد، بیع باطل است (شهیدی (۲۶)، ص ۴۱۳).

^۱ - تفکیک اشتباه مانع تراضی از اشتباه مانع تأثیر تراضی (اشتباه به معنای خاص) فایده عملی دیگری نیز دارد و آن اینکه اشتباه به معنای خاص (موضوع مواد ۲۰۰ و ۲۰۱) در صورتی مانع تأثیر تراضی است و عقد را باطل می‌کند که اشتباه صریحاً یا ضمناً (م ۲۲۵ ق.م.) وارد قلمرو تراضی طرفین شده باشد و تصور و گمان درونی و ابراز نشده یکی از طرفین تأثیری در صحت عقد ندارد در حالیکه در اشتباه مانع تراضی (موضوع ماده ۱۹۴)، همین که یکی از طرفین عقدی را انشاء کرده است که با قصد دیگری مطابقت ندارد برای بطلان عقد کافی است و ورود اشتباه در قلمرو تراضی شرط نیست؛ به عبارت دیگر در اشتباه به معنای خاص، اگر وقوع اشتباه، اثبات هم شود ولی در زمان انعقاد عقد وارد قلمرو تراضی طرفین نشده باشد تأثیری ندارد. چنانکه خریداری کالایی را به تصور اینکه ژاپنی و اصل است بخرد و سپس متوجه شود که کالا چینی و غیراصل است و اصل بودن کالا را شرط نکرده باشد و عرف هم دلالتی بر چنین شرطی نداشته باشد (۲۲۵م) قرارداد صحیح و معتبر است.

۱۳. در بیع کلی فی الذمه، اگر فروشنده ادعا کند که یک تن عدس فروخته است و خریدار ادعا کند که یک تن برنج خریده است و یکی از طرفین منکر انطباق اراده‌ها شود، به دلیل عدم انطباق اراده فروشنده و خریدار بیع باطل است و مدعی صحت باید دلیل اقامه کند (م ۱۹۴)؛^۱ اما اگر مبیع عین معین باشد و خریدار ادعا کند که آن مبیع معین موجود در انبار را در زمان قبول، برنج تصور می‌کرده است در حالیکه فروشنده ادعا می‌کند که خریدار آن را عدس می‌دانسته است بیع صحیح است و مدعی بطلان باید دلیل اقامه کند (ر.ک: قسمت اخیر بند پ زیرنویس ۱۱ همین ماده و پاورقی آن و زیرنویس ۱ ماده ۲۰۰) زیرا قصد انشای طرفین از حیث ارتباط با یک شیء معین با یکدیگر منطبق است اما خریدار مدعی است که در زمان قبول، آن عین معین و خارجی را اشتباهاً برنج تصور می‌کرده است؛ تفاوت دو فرض اخیر در این است که در فرض اول به واسطه عدم انطباق دو اراده بر مال واحد، موضوع مشمول ماده ۱۹۴ بوده و مدعی صحت باید دلیل اقامه کند؛ در حالیکه در فرض دوم، طرفین در خصوص اینکه همان مال موجود در انبار، معامله شده است اتفاق نظر دارند لیکن خریدار مدعی است در ماهیت آن عین خارجی دچار اشتباه شده است؛ لذا مدعی بطلان (خریدار) باید دلیل اقامه کند (یعنی اثبات کند که اشتباه در علت عمده عقد بوده و وارد قلمرو تراضی طرفین نیز شده است) (شهیدی (۲۶)، صص ۴۱۰ و ۴۱۱).

مبحث چهارم) زمان و مکان تحقق عقد

۱۴. تعیین زمان انعقاد عقد تابع اراده طرفین است که در صورت سکوت، بنا بر نظریه اراده باطنی که در حقوق ایران رجحان دارد (م ۱۹۱ق.م.)، ملاک زمان و مکان عقد «اعلان قبول» می‌باشد که به موجب آن تحقق عقد زمانی است که نیت درونی به وسیله‌ای اعلان شود.

۱۵. نظریه مورد قبول در عقد مکاتبه‌ای یا از راه دور یا عقود میان غائبین (عقودی که متعاقدين در حضور هم نیستند و ارتباط همزمان *on-line*) هم ندارند، نظریه «اعلان قبول» است و ارسال نامه قبولی، اماره آن محسوب می‌شود یعنی زمان انعقاد عقد، زمان «تحقق قبول» است که ارسال می‌تواند کاشف از آن باشد؛ نتیجه آنکه، اصولاً عقد در محل قبول بسته می‌شود و زمان انعقاد آن، تاریخ اعلان قطعی قبولی است؛ باید توجه داشت که صرف انشاء نامه قبولی را نمی‌توان به منزله اعلان قبولی دانست زیرا هنوز قبولی تحت اراده و کنترل کامل شخص قرار دارد و ممکن

۱- اگر طرفین توافق داشته باشند که مورد معامله برنج بوده است اما در مرغوبیت آن اختلاف داشته باشند، بیع صحیح بوده و خریدار مدعی محسوب می‌شود.

است وی از ارسال نامه منصرف شود^۱ به همین دلیل، ارسال نامه که حاکی از اعلان «قطعی» قبولی است اصولاً، ملاک عمل قرار می‌گیرد.

۱۶. در صورتی که مهلت ایجاب ده روز باشد و مخاطب ایجاب، در روز پایانی، نامه قبولی را ارسال کند و نامه پس از اتمام مهلت ایجاب، به دست ایجاب کننده برسد، قرارداد منعقد شده است زیرا در لحظه ارسال نامه (اعلان قطعی قبولی)، ایجاب هنوز معتبر بوده است مگر اینکه ایجاب کننده در ایجاب خود قید کرده باشد که قبولی در صورتی معتبر است که ظرف ده روز از تاریخ صدور ایجاب، به اقامتگاه ایجاب کننده «واصل» شود؛ به عبارت دیگر پذیرش «نظریه اعلان قبول» جنبه تکمیلی داشته و قاعده آمره محسوب نمی‌شود؛ نتیجتاً طرفین می‌توانند نظریه دیگری را اختیار کنند، چنانکه در مثال اخیر، ایجاب کننده «نظریه وصول» را ملاک تحقق عقد در نظر گرفته است.

۱۷. قانون تجارت الکترونیکی ایران، در خصوص زمان انعقاد قرارداد الکترونیکی ساکت است ولی مفهوم ارائه شده از ارسال در ماده ۲۶ این قانون، نظریه ارسال را به نظریه وصول نزدیک نموده است. زیرا طبق این ماده، ارسال داده پیام زمانی تحقق می‌یابد که به یک سیستم اطلاعاتی خارج از کنترل اصل ساز (سازنده یا صادر کننده پیام) یا قائم مقام وی وارد شود. بنابراین اگرچه در این قراردادها هم، هنوز نظریه اعلان قطعی قبولی قابل اعمال است ولی مفهوم ارائه شده از ارسال (به عنوان اماره قبولی قطعی) و فاصله کم ارسال و دریافت پیام، از اهمیت این موضوع کاسته است.

۱۸. تعیین زمان تحقق عقد، در موارد زیر مؤثر است:

- عدول از قبول یا ایجاب؛
- تأثیر ورشکستگی یا حجر یا فوت طرفین؛
- زمان التزام به آثار عقد؛
- تعارض قوانین در زمان؛
- محل وقوع عقد.^۱

۱- به اعتقاد برخی، اگر مخاطب ایجاب، نامه قبولی را نوشته و آن را به منشی خویش جهت ارسال تحویل دهد، با جدا شدن قبول کننده از منشی، می‌توان به قصد انشای قبول کننده اطمینان پیدا نمود و این لحظه را تاریخ اعلان قطعی قبول دانست (شهیدی (۲۶)، صص ۳۸۱ و ۳۸۲).

۱۹. تعیین مکان تحقق عقد، در موارد زیر مؤثر است:

- تعیین قواعد تکمیلی (م ۳۷۵ق.م.)؛
- تعیین قانون حاکم (م ۹۶۸ق.م.)؛
- تعیین دادگاه صالح (م ۱۳ق.آ.د.م.).

مبحث پنجم) وعده قرارداد

۲۰. وعده قرارداد، پیمانی مقدماتی است درباره انعقاد قرارداد مطلوب که میان طرفین بسته می‌شود و هردو یا یکی از آنها را ملتزم به تراضی نهایی می‌کند که شایع‌ترین آن قولنامه خرید و فروش ملک است.

۲۱. وعده قرارداد، عمل حقوقی الزام آور و متمایز از وعده اخلاقی است. تنها استثناء آن وعده نکاح است که طرفین را ملزم به اجرا کردن صیغه عقد نمی‌کند (م ۱۰۳۵ق.م.).

۲۲. وعده قرارداد، ماهیتاً قراردادی است مستقل از قراردادی که وعده آن داده شده است و اوصاف ویژه خود را دارد؛ به عنوان مثال، وعده قرارداد عقد رضایی محسوب می‌شود ولو عقد نهایی که وعده آن داده شده است، تشریفات باشد.

۱- عقد در محلی واقع می‌شود که آخرین جزء عقد، در آنجا به وقوع پیوسته است؛ بنابراین در عقود رضایی محل اعلان قطعی قبولی و در عقود عینی، محل قبض، مکان انعقاد عقد محسوب می‌شود.